

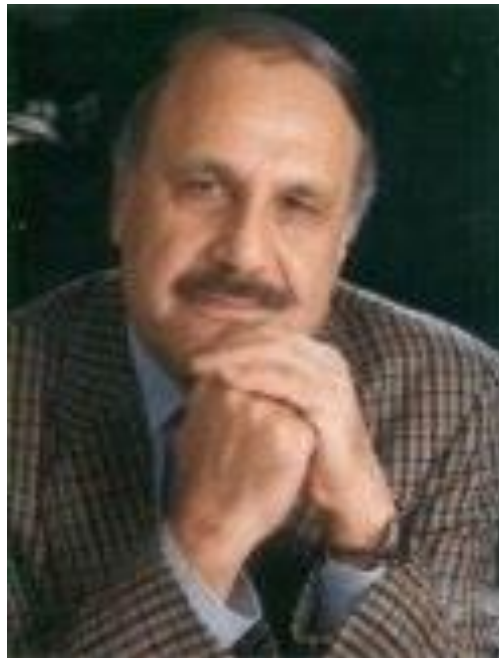


۲۰۱۸/۱۰/۲۸

ملالی موسی نظام

به استقبال از نودمین سال تولد ملک الشعراء محمد نسیم

«اسیر»



با ابراز تهنیت و تبریک از جانب آریانا افغانستان آن لاین و محترم آقای ولی احمد نوری که به مناسبت نودمین سالروز فرخنده میلاد ملک الشعراء افغان، جناب «محمد نسیم اسیر» به تاریخ ۲۳ اکتوبر درین وبسایت اقبال نشر یافت، یکبار دیگر شکرگزار پروردگار یکتا از موجودیت چنین بندگان برگزیده و شخصیت های ملی عالی مقام و ستارگان کم یاب جهان ادب و معرفت گردیدم.

در روزگاری که در کشور ما صلح و سلم برقرار بود و به فرموده مرحوم پژواک «یاد ایامی که ما هم آسمانی داشتیم»، مسافرتی به مسکو پیش آمد و از قضاء دیداری هم با نویسنده، شاعر و دانشمند همیشه مسافر افغان مرحوم جناب رحیم ضیایی «شیون کابلی» دست داد و صحبت های سودمندی هم از آن آزاده مرد و شخصیت متمایز وطن. از فحوای کلام ایشان چنین استنباط گردید که یکی از مأمورین افغان به نام آقای «محمد نسیم اسیر» که گویا در دفتر نمایندگی شرکت هوایی آریانا اجرای وظیفه مینمود، نه تنها قریحه شعری نابی داشته است که با

شخصیت پسندیده و توانایی خاص ادبی و تبحر وی در لسان فارسی «دری»، در حال حاضر در زمره شعرای قابل قدر و ملیگرا، محسوب می‌گردد، بلکه میتوان آینده درخشانی را در جهان ادبیات وطن، برایش پیش بین کردید. این بود خاطره اولین معرفت غیابی با شاعری ملی گرا و سخن سرای توانا جناب «نسیم اسیر».

متأسفانه آن روزگاران صلح و امنیت را کودتاهای پیهام و بی لزوم پلان شده به پایان رسانید و در نتیجه آن اقدامات غیر ملی، عصر طولانی و خونین جنگ و بربادی بر مقدرات یک ملت چهره سیاه و دوامدار نمایان نمود.... آوارگی و جلای وطن اجباری، ملت افغان را متشتت و پراکنده ساخت، مهاجرت ها هر کتله ای از مردم متحد افغانستان آزاد و غیر منسلک را به سرزمین هایی که سرنوشت تعیین نمود، متوطن ساخت. بالاخره به فرموده حضرت حافظ که «بسی دوری زند گردون، بسی لیل و نهار آید» سال های بعد تر در مهاجرت و مخصوصاً در ممالکی که شرایط بهتر بود، هموطنان که تشنه کلتور و مطبوعات وطن بودند، به تدریج اقدام به نشرات جراید، مجلات و چاپ کتب نمودند که بدین ترتیب تا حدودی علمای اهل ادب و مطبوعاتیان شناخته شده ما در هر گوشه جهان نمایان گشتند.

به همین منوال، محترم ولی احمد نوری هم که از قبل شناسایی عمیقی با شخصیت خبره افغان محترم محمد رحیم ضیایی «شیون کابلی» داشت در طی مسافرت هایی برای جمع آوری مدارک و اسناد و مصاحبه های گوناگون با چنان دانشمندی، مؤفق گردید که در اثر برانزده و آموزنده ای «*» در پهلوی شرح حال «شیون کابلی»، سلسله اشعار وی و شخصیت هایی از ادبا و شعرای افغانی را هم که با نامبرده روابطی داشتند در آن اثر جمع آوری نماید. همان بود که این شاگرد، نه تنها بار دیگر جای پای ماندگار شاعر بلند مرتبت، محترم «نسیم اسیر» را در چنان اثری آموزنده دریافتم، بلکه افتخار داشتن روابط فرهنگی را نیز با جناب شان حاصل نمودم.

در قسمت درج خاطرات آقای «اسیر» در کتاب ارزشمند زندگی نامه مرحوم «شیون کابلی»، تصویر روشنی از شیوه و روش نهایت ملی ای که از یک افغان اصیل و وطن پرست میتوان انتظار داشت، در اشعار ناب ایشان در پهلوی تعدادی از داشته های زیبا و دلنشین ادبی، به چشم میخورد که منحصراً سند ارزشمندی روش حیاتی چنان شخصیتی را در زمینه باورهای سیاسی و اجتماعی وی نیز بیان مینماید. در قطعه زیبایی محترم آقای «نسیم اسیر» شاگردان و محصلین افغان مقیم شوروی وقت را مخاطب قرار داده هوشدار میدهد که متوجه پلان های شوم و شستشوی مغزی جوانان باشند تا به فریب و توطئه های روس آغشته نگردند.

البته همه مردم افغانستان آگاهند که متأسفانه با عمال افغان وابسته به شوروی هزاران پسر و دختر افغان در داخل وطن و در خود اتحاد شوروی به آن رژیم خطرناک وابسته گردیدند و مادر وطن را فروختند. نفوذ افکار وابسته به روسیه غدار حتی تعدادی از تجربه کاران و مأمورین تعلیم یافته افغان را هم سردچار نمود.

با مطالعه این قطعه آموزنده که به منزله زنگ خطری به جوانان و رهنمونی آنان به وطن پرستی و مقاومت به مقابل وسوسه های شوروی محسوب می‌گردد، متوجه می‌گردیم که در آن عصری که همه در غفلت و بیخبری از مصیبتی که در راه بود بسر می‌بردیم، چگونه این دانشمند حقو و متفکر شریف افغان، برای نجات جوانانی که دقیقاً در پرتگاه سقوط بربادی وطن قرار داشتند، تلاش می‌ورزید. نظر به متن کتاب، ازین قطعه زیبا که در اثر خواهش دوست همفکر محترم «نسیم اسیر»، یعنی مرحوم «شیون کابلی» سروده شده است، صرف گلچینی از ابیات آن انتخاب می‌گردد:

سروده ملک الشعراء «نسیم اسیر»

تا که در نرد سیاست روس نیست در قمار دهر، طاس و طوس نیست
روسیه در فتنه بازی رو سیاست فکر کس در این سخن افسوس نیست
آتشی پنهان به خاکستر بود شعله جانسوز او محسوس نیست
می زند فریاد صلح و دوستی کار او جز شیوه معکوس نیست
در نظام بی نظام شوروی هرکه می بینی، بجز جاسوس نیست
تا نظر بر چهره ها می افگنی غیر ترس و وحشت و کابوس نیست
ای محصل، ای جوان با وقار یار تو این روس بی ناموس نیست

روس میرنجد «اسیر» از حرف من

رنجش شان قابل افسوس نیست

مسکو ۱۹۷۰

در سروده بالا به خاطر می آوریم درحالیکه شاعر خود در شهر مسکو تشریف داشته است و متوجه میگردد که چگونه هموطنان از محصل و غیر محصل هر کدام به نحوی در گرداب و سوسه پیوستن به شوروی محیل و بربادی افغانستان در حال غرق شدن میباشند، با تهور و بی ترسی چنین به مذمت آن رژیم منحوس میپردازد. احسنت بر چنین ملی گرایی و وطن پرستی!

در چنین ایام فرخنده ای که سعادت ابراز تبریک به شاعر توانا و شخصیت نهایت ملی افغان جناب «محمد نسیم اسیر» ملک الشعراء افغان به مناسبت تولد فرخنده شان دست داده است، لینک مضمونی از ایشان را تحت عنوان «شیونی بیاد شیون» که قبلاً در وبسایت آریانا افغانستان آنلاین اقبال نشر یافته است، تقدیم میدارم. درین نوشته ارزشمند گویا قطعه شعری نغز از مرحوم دانشمند ملی گرا و مهاجر افغان «شیون کابلی» سروده شده و به پاسخ آن محترم «نسیم اسیر» که در مسکو تشریف داشتند، سروده خویش را پیشکش ایشان نموده اند که هر دو در اثر براننده «سردار محمد رحیم ضیایی - شیون کابلی - نگارنده و مؤلف ولی احمد نوری» به نشر رسیده است، تقدیم میگردد:

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/assir_nacim_a_shewaney_bay_aad_shewan.pdf

هر دو قطعه شعر زیبا با پیروی از سروده دیگری که چنین آغاز میگردد، بیان گردیده است:

ای تازه گل تو زینت گلزار کیستی *** ای مرغ باغ دل تو گرفتار کیستی

جای نا باوری و افسوس است که قطعه مذکور اثر «بارق شفیع» یکی از شخصیت های غیر ملی وابسته به مسکو و رژیم منحوس حزب دیموکراتیک خلق افغانستان بوده است که قبل از شناسایی عامه از نامبرده در

وابستگی به آن حزب و برپادی افغانستان، از جانب هنرمند برازنده افغان «حفیظ الله خیال» در سال ۱۳۴۲ یعنی ۵۰ سال قبل کمپوز و توسط هنرمند حنجره طلایی خانم «ژیلا» خوانده شده. نا گفته نماند که خانم «ژیلا» یکبار در کنسرتی با ستاره درخشان موزیک هند «محمد رفیع» هم این آهنگ را اجراء نموده است.

نوت: «*»: کتاب سردار محمد رحیم ضیایی «شیون کابلی»، نگارنده و مؤلف، محترم ولی احمد نوری. سال نشر ۲۰۰۳- انتشارات بامیان.

پایان

